

آیا سقف صاف یا بام تهرانی در گیلان جواب می‌دهد؟

بحران باران و معماری خانه‌های شمال ایران

پارادوکس زیرساختی در شهرهای شمال ایران؛ پشت پرده عقب‌ماندگی‌ها چیست؟



یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵ | ۱۴ ربيع الثاني ۱۴۴۸ | ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست و نهم | شماره ۷۰۵۹ | ۸ صفحه | تک شماره ۵۰۰۰۰ تومان

مدیرکل بحران:
مردم از توقف در حاشیه
رودخانه‌های گیلان
خودداری کنند

رفع تصرف حدود
۹ هکتار از اراضی ملی
در گیلان

نادریکو

گروه صنایع غذایی نادری | www.naderico.com

نشانه‌های رکود در سمت تقاضا؛ تغییر شیوه خرید خانوارها



بیشتر از آنکه ناشی از کمبود باشد، تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز قرار دارد. رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با اشاره به روند بازار در هفته‌های گذشته افزود: طی حدود ۲۰ روز اخیر، برخی کالاها از جمله حبوبات و برنج با روند کاهشی قیمت مواجه بودند، اما در پی نوسانات اخیر بازار ارز، قیمت برخی کالاها دوباره وارد مسیر افزایشی شده است.

وی درباره دامنه اثرگذاری نرخ ارز بر قیمت کالاها تصریح کرد: هر کالایی که به ارز وابستگی داشته باشد، متناسب با تغییرات نرخ ارز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این موضوع فقط مربوط به کالا‌های وارداتی نیست، بلکه کالا‌های تولید داخل نیز از این شرایط اثر می‌پذیرند. کنگری توضیح داد: ممکن است یک محصول کشاورزی در داخل کشور تولید شود و مستقیماً ارتباطی با واردات نداشته باشد، اما نهاده‌ها و مواد اولیه مورد استفاده در تولید آن، از جمله کود شیمیایی و سایر نهاده‌های تولید، به ارز وابسته هستند. بنابراین تغییر نرخ ارز می‌تواند هزینه تمام‌شده تولید داخلی را نیز افزایش دهد و در نهایت خود را در قیمت بازار نشان دهد.

وی تأکید کرد: در مجموع، بخش مهمی از تحولات بازار مواد غذایی به نرخ ارز وابسته است. البته کمبود کالا نیز در صورت وقوع می‌تواند زمینه افزایش قیمت را فراهم کند، اما در شرایط فعلی چنین مسئله‌ای وجود ندارد و بازار از نظر تأمین کالا با مشکل مواجه نیست.

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با بیان اینکه کالا به میزان گسترده در شبکه توزیع وجود دارد، گفت: در حال حاضر کالا بیش از اندازه مورد نیاز در شبکه عرضه موجود است و مشکل خاصی در زمینه تأمین کالا‌های اساسی نداریم. بنابراین افزایش قیمت‌های اخیر را نمی‌توان به کمبود کالا نسبت داد.

کنگری در ادامه به وضعیت قدرت خرید خانوارها اشاره کرد و گفت: افزایش حقوق معمولاً سالانه یک بار انجام می‌شود، اما تورم به شکل مستمر بر هزینه‌های خانوار اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی، هر فرد متناسب با درآمد خود خرید می‌کند و توان هزینه‌کرد خانوارها محدودتر می‌شود.

تर्फه ۱۰۰ درصدی خودرو؛ عدول از قانون یا تصمیمی علیه مردم؟

متناسب با آثار اقتصادی، ارزی و زیست‌محیطی خود، مشمول حقوق ورودی بالاتری شوند. این شیوه، هم به حفظ درآمدهای دولت کمک می‌کند و هم از مصرف بی‌رویه منابع ارزی جلوگیری خواهد کرد. از سوی دیگر، مطابق ماده (۹) قانون هوای پاک، دولت باید از واردات و استفاده از خودروهای برقی و هیبریدی حمایت کند و برای آنها سیاست‌های تعرفه‌ای حمایتی در نظر بگیرد. بنابراین، سیاست تعرفه‌ای کشور باید در جهت کاهش مصرف سوخت و آلودگی هوا و توسعه خودروهای پاک نیز باشد.

در چنین شرایطی، عدول از احکام قانونی و اتخاذ تصمیمات عجولانه و غیرکارشناسی، نه به نفع مردم است و نه در نهایت به سود دولت و کشور خواهد بود.

امیدوارم آقای دکتر پزشکیان، مطابق وعده‌های انتخاباتی خود، اجازه ندهد مشاوره‌های نادرست و تصمیمات کارشناسی‌نشده، سیاست‌های اقتصادی دولت را از مسیر تأمین رفاه و آسایش مردم دور کند.

*** نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی**

چرا استعدادهای گیلان برای دیده‌شدن، گیلان را ترک می‌کنند؟

استعداد به‌تنهایی کافی نیست. گاهی یک جوان فقط به یک فضای کوچک، یک امکان اولیه، یک آموزش درست، یک سرمایه‌گذار جسور یا حتی یک نفر نیاز دارد که ایده‌اش را جدی بگیرد. مشکل آنجاست که ما گاهی استعداد را زمانی جدی می‌گیریم که دیگر در گیلان نیست. وقتی یک جوان گیلانی در تهران موفق می‌شود، نامش را با افتخار کنار نام گیلان قرار می‌دهیم؛ وقتی فیلمش در جشنواره‌ای دیده می‌شود، به گیلانی بودنش افتخار می‌کنیم و وقتی یک کارآفرین از این استان در جایی دورتر به موفقیت می‌رسد، از ظرفیت‌های انسانی گیلان سخن می‌گوییم.

اما پرسش مهم‌تر این است:

چرا همان استعداد نباید بتواند مسیر موفقیتش را از همین‌جا آغاز کند؟ شاید لازم باشد در کنار نگاه به گردشگری، کشاورزی، منابع طبیعی و ظرفیت‌های اقتصادی گیلان، درباره یک سرمایه کمتر دیده‌شده نیز جدی‌تر صحبت کنیم: سرمایه انسانی. سرمایه‌ای که نه در جنگل و زمین و دریا، بلکه در ذهن و خلاقیت جوانان این استان قرار دارد.

برای حفظ این سرمایه، الزاماً به پروژه‌های عظیم و بودجه‌های نجومی نیاز نداریم. گاهی ایجاد یک شبکه حرفه‌ای، یک مرکز استعدادیابی واقعی، چند فضای تولید، ارتباط میان بخش خصوصی و جوانان، آموزش تخصصی و امکان ارائه و فروش محصول می‌تواند نقطه شروع باشد. مسئله این نیست که همه جوانان گیلان باید بمانند. مهاجرت، اگر انتخاب آگاهانه یک انسان برای رشد باشد، می‌تواند فرصت باشد. مسئله زمانی آغاز می‌شود که رفتن، تنها راه پیش‌روی یک استعداد باشد. استانی که نتواند برای استعدادهایش فرصت بسازد، دیر یا زود مجبور می‌شود موفقیت آنها را در جای دیگری تماشا کند.

شاید وقت آن رسیده باشد که به جای پرسیدنِ «چرا جوانان گیلانی می‌روند؟»، سؤال دیگری بپرسیم: ما چه ساخته‌ایم که آنها بتوانند بمانند؟ گیلان کمبود استعداد ندارد؛ فقط باید یاد بگیریم استعداد را قبل از آنکه چمدان ببندد، ببینیم.

*** کارگردان و تهیه‌کننده سینما**

دکتر غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی *

شنیده‌ها حکایت از آن دارد که دولت درصدد است تعرفه واردات خودرو را به‌صورت یکنواخت و ۱۰۰ درصدی تعیین کند؛ تصمیمی که در صورت اجرا، با حکم قانون ساماندهی صنعت خودرو درباره نحوه تعیین حقوق ورودی خودروهای سواری، محل تأمل جدی است. مطابق ماده

(۱) قانون ساماندهی صنعت خودرو، دولت مکلف است حقوق ورودی خودروهای سواری را متناسب با حجم موتور، میزان مصرف سوخت و میزان آلایندگی تعیین کند. بنابراین، تعیین یک نرخ یکنواخت برای همه خودروها، بدون توجه به این شاخص‌ها، با حکم و فلسفه قانون سازگار نیست. منطق قانون نیز روشن است؛ خودروهای اقتصادی و کم‌مصرف باید از تعرفه‌های حمایتی برخوردار باشند و خودروهای لوکس و پرمصرف،



سعید محمدی بفرآچرد *

یک جوان گیلانی را تصور کنیم که فیلم کوتاهی ساخته، نمایشنامه‌ای نوشته، ساز می‌زند، پژوهشی انجام داده یا ایده‌ای برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار در سر دارد. شاید استعداد داشته باشد، شاید پشتکار هم داشته باشد؛ اما یک روز با خودش به این نتیجه می‌رسد که برای ادامه دادن، باید برود. نه لزوماً چون گیلان را دوست ندارد؛ بلکه چون احساس می‌کند فرصت‌ها جای دیگری منتظر او هستند. این شاید یکی از آرم‌ترین شکل‌های مهاجرت باشد؛ مهاجرتی که نه با آمارها به‌سادگی دیده می‌شود و نه همیشه کسی برایش مراسم خداحافظی می‌گیرد. اما هر جوان مستعدی که برای پیدا کردن فرصت حرفه‌ای از گیلان خارج می‌شود، تنها یک نفر نیست که جابه‌جا شده؛ بخشی از سرمایه انسانی این استان نیز همراه او رفته است. گیلان کمبود استعداد ندارد. آنچه کم دارد، زنجیره‌ای است که استعداد را به فرصت تبدیل کند.

در سینما این مسئله را می‌توان واضح‌تر دید. گیلان از طبیعت، معماری، فرهنگ، موسیقی، زبان، تاریخ و قصه‌های انسانی چیزی کم ندارد. بسیاری از فیلمسازان، گیلان را به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین لوکیشن‌های تصویری ایران می‌شناسند. اما میان «داشتن یک لوکیشن» و «داشتن یک صنعت سینمایی» فاصله زیادی وجود دارد.

ما سال‌ها به گیلان به چشم لوکیشن نگاه کرده‌ایم؛ شاید وقت آن رسیده باشد که آن را مبدأ تولید ببینیم. تفاوت این دو نگاه، تفاوت کوچکی نیست. در نگاه اول، گروهی برای فیلمبرداری وارد استان می‌شوند، چند روز یا چند ماه کار می‌کنند و می‌روند. اما در نگاه دوم، خود گیلان صاحب جریان تولید می‌شود؛ فیلمساز در کنار تهیه‌کننده، نویسنده، بازیگر، عوامل فنی، سرمایه‌گذار، رسانه و شبکه توزیع قرار می‌گیرد و محصولی شکل می‌گیرد که می‌تواند از رشت آغاز شود و در تهران، جشنواره‌های داخلی و حتی بازارهای بین‌المللی به حیات خود ادامه دهد.

اینجا مسئله فقط سینما نیست. یک پژوهشگر جوان، اگر برای دسترسی به امکانات تخصصی ناچار به ترک استان شود، یک هنرمند اگر برای پیدا کردن بازار حرفه‌ای خود راهی تهران شود و یک کارآفرین اگر برای یافتن سرمایه و ارتباطات مناسب، آینده‌اش را در شهری دیگر جست‌وجو کند، یک مسئله مشترک دارند: فاصله میان استعداد و فرصت.

دیوارهایی که از آینده کوتاه‌ترند

باشد، حقیقتی درباره دیوار آشکار کرده بود: اینکه دیوار تا وقتی مرز است که راهی برای عبور از آن وجود نداشته باشد. امروز فناوری‌های نوین نیز چنین نقشی دارند. آنها فقط ابزارهایی تازه نیستند؛ مرزهای پیشین را جابه‌جا می‌کنند و نشان می‌دهند بسیاری از چیزهایی که زمانی ناممکن به نظر می‌رسیدند، دیگر ناممکن نیستند. واکنش طبیعی به چنین تغییری می‌تواند نگرانی باشد؛ اما وظیفه حکمرانی، تبدیل نگرانی به دیوار نیست.

طبیعی است که فناوری قدرت‌مندی مانند هوش مصنوعی نیازمند قاعده و سیاست‌گذاری باشد. امنیت، حریم خصوصی، مالکیت فکری، تقلب و پیامدهای اجتماعی آن مسائل واقعی‌اند و نمی‌توان از کنارشان گذشت. اما سیاست‌گذاری زمانی به توسعه کمک می‌کند که میان مدیریت خطر و حذف امکان تمایز بگذارد. کشوری که به جای یادگیری نحوه استفاده مسئولانه از فناوری، بخش بزرگی از انرژی خود را صرف محدود کردن دسترسی به آن کند، شاید برای مدتی احساس کنترل بیشتری داشته باشد؛ اما در مقابل، بخشی از ظرفیت یادگیری و رقابت خود را از دست می‌دهد.

این مسئله، به‌خصوص برای کشوری مانند ایران که مهم‌ترین سرمایه‌اش نیروی انسانی است، حساس‌تر است. فناوری را می‌توان با تأخیر خرید؛ اما زمان از دست‌رفته دانشجو، پژوهشگر و کارآفرین را نمی‌توان خرید. می‌توان فردا نرم‌افزاری را که امروز دیگران ساخته‌اند تهیه کرد، اما نمی‌توان به‌سادگی نسلی را بازسازی کرد که فرصت آزمودن، خطا کردن و ساختن را در سال‌های شکل‌گیری خود از دست داده است.

از اینجا مسئولیت حکمرانی معنای دیگری پیدا می‌کند. تصمیم‌گیرنده فقط درباره امروز تصمیم نمی‌گیرد؛ بخشی از امکانات فردا را نیز تعیین می‌کند. ممکن است یک محدودیت در کوتاه‌مدت نظم بیشتری ایجاد کند، یک ساختار متمرکز کنترل بیشتری به همراه داشته باشد یا خطری را موقتاً کاهش دهد؛ اما پرسش مهم‌تر این است که همین تصمیم، در افق ده یا بیست ساله، چه چیزی به ظرفیت کشور اضافه می‌کند و چه چیزی از آن می‌گیرد.

قدرت‌ها موقت‌اند و موقعیت‌های مدیریتی نیز. اما پیامد بعضی تصمیم‌ها از عمر تصمیم‌گیرندگان بسیار طولانی‌تر است. از این رو، حکمرانی آینده‌نگر نه فقط باید به آنچه امروز می‌تواند کنترل کند، بلکه به آنچه فردا ممکن است از دست برود نیز بیندیشد. شاید امانت‌داری نسبت به آینده، یکی از دشوارترین و در عین حال مهم‌ترین مسئولیت‌های قدرت باشد.

شاید به همین دلیل است که داستان کایت هنوز برای من تمام نشده است. فرمانروا توانست کایت را نابود کند و دیوار را برای مدتی دست‌نخورده نگه دارد. اما نتوانست چیزی را که کایت آشکار کرده بود از میان ببرد؛ اینکه همیشه راهی برای اندیشیدن به آن سوی دیوار وجود دارد.

و شاید امروز پرسش اصلی همین باشد: جهان بیرون از دیوار با چه سرعتی در حال حرکت است و ما در این سوی دیوار، چه مقدار از زمان خود را صرف بلندتر کردن آن می‌کنیم؟ دیوارها ممکن است بلندتر شوند؛ اما اگر آینده از آنها بلندتر باشد، دیر یا زود مسئله دیگر عبور از دیوار نیست؛ مسئله، ماندن پشت آن است.

ژاله حساس خواجه



گاهی دو خبر که در یک روز منتشر می‌شوند، بیش از آنکه دو رویداد جداگانه باشند، تصویری از دو نگاه به آینده به دست می‌دهند. در یک خبر، از ASTRA ۶-GPT، نسلی تازه از هوش مصنوعی، سخن می‌رود؛ فناوری‌ای که دیگر تنها پاسخ‌گوی پرسش‌های انسان نیست، بلکه می‌تواند جست‌وجو کند، اطلاعات را سامان دهد، نرم‌افزار بسازد و آزمایش کند و بخشی از فرایندهای پیچیده کاری را پیش ببرد. در خبر دیگر، از طرح «پراتورهای ملی هوش مصنوعی» و چگونگی سازمان‌دهی، مدیریت و کنترل این فناوری در کشور سخن گفته می‌شود.

در فاصله میان این دو خبر، پرسشی بزرگ‌تر برآیم شکل گرفت: وقتی جهان با شتاب امکان‌های تازه می‌سازد، ما با آنها چه می‌کنیم؟

این پرسش برای من، به‌عنوان کسی که سال‌ها در دانشگاه با دانشجو، پژوهش و آموزش سروکار داشته‌ام، غریبه نیست. بارها دیده‌ام که عقب‌ماندگی الزاماً از نداشتن استعداد یا دانش آغاز نمی‌شود؛ گاهی از فرصت‌هایی آغاز می‌شود که دیر به آنها دسترسی پیدا کرده‌ایم. دانشجو زمانی را که باید صرف یادگیری کند، صرف پیدا کردن راه دسترسی می‌کند؛ پژوهشگر به جای آزمودن یک ایده، درگیر مانعی بیرونی می‌شود و استاد ناچار است بخشی از انرژی خود را صرف سازگار شدن با محدودیت‌هایی کند که ارتباطی با اصل کار علمی ندارند. این اتلاف شاید در ظاهر کوچک به نظر برسد، اما در مقیاس یک کشور کوچک نمی‌ماند. زیرا در علم و فناوری، زمان فقط یک واحد تقویمی نیست؛ بخشی از سرمایه توسعه است. آنچه یک دانشجو امروز تجربه نمی‌کند، ممکن است فردا به دانشی تبدیل نشود که بتواند چیزی بسازد؛ و آنچه یک پژوهشگر امروز نمی‌آزماید، شاید سال‌ها بعد به نوآوری‌ای تبدیل نشود که کشور به آن نیاز دارد. از این مهم‌تر، هر فناوری تازه فقط ابزار جدیدی در اختیار ما نمی‌گذارد؛ افق تازه‌ای از امکان را پیش چشم ما می‌گشاید. وقتی امکان تجربه محدود می‌شود، تنها دسترسی به یک فناوری محدود نشده است؛ بخشی از تجربه کردن، آزمودن و حتی تصور کردن آنچه هنوز وجود ندارد نیز از میان می‌رود. شاید به همین دلیل است که بزرگ‌ترین هزینه بعضی محدودیت‌ها، چیزی نیست که در آمارها دیده شود؛ فرصت‌هایی است که هرگز به وجود نمی‌آیند.

داستانی قدیمی درباره دیوار بزرگ چین، سال‌هاست در ذهنم مانده است. می‌گویند مخترعی وسیله‌ای شبیه کایت ساخته بود که می‌توانست از فراز دیوار عبور کند. فرمانروا، که خود شیفته اختراع بود، ابتدا از آن استقبال کرد؛ اما خیلی زود متوجه خطر شد: اگر این کایت می‌تواند از دیوار بگذرد، دیگران نیز شاید بتوانند. پس دستور داد کایت را نابود کنند و مخترع را نیز از میان بردارند. ممکن است این داستان از نظر تاریخی موقّت نباشد، اما استعاره دقیقی است از لحظه‌ای که قدرت با امکانی تازه روبه‌رو می‌شود. کایت، بیش از آنکه یک وسیله



شرکت تولیدی و شیمیایی پارس سیمین

**پارس سیمین تولیدکننده انواع رنگ‌های ساختمانی
صنعتی و رنگ‌های پودری الکترواستاتیک**

نشانی: کیلومتر ۵ جاده رشت انزلی صندوق پستی ۱۱۴۱-۴۳۴۱۵

تلفن: ۲۱۶۶ و ۳۴۴۲۱۷۷ فکس: ۳۴۴۲۲۰۴۴

پست الکترونیک: info@parssimin.com , pars_simin@yahoo.com

مراکز معاينه فنی خودرو

برادران پوررستگار

همه روزه آماده خدمت رسانی

به مشتریان و همشهریان عزیز می‌باشد

۱- رشت - روبروی فرودگاه خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۴

۲- رشت - لاکان شهر خودرو سبک - نرسیده به تقاطع راه آهن مرکز ۴۴۶۳

۳- خمام - چوکام - خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۱

۴- خمام - چوکام - خودروی سنگین - مرکز ۵۴۰۲

تلفن: ۳۳۴۰۳۴۴۸-۵۰ و ۳۳۷۲۲۳۰۰